

ویژه نامه روزانه محرم الحرام

ملت گریه سیاسی

انقلاب کردیم که شعائر اسلام را زنده کنیم، نه انقلاب کردیم که شعائر اسلام را بمیرانیم. زنده نگه داشتن عاشورا يك مسئله بسیار مهم سیاسی - عبادی است. عزاداری کردن برای شهیدی که همه چیز را در راه اسلام داد، يك مسئله سیاسی است؛ يك مسئله‌ای است که در پیشبرد انقلاب اثر بسزا دارد. ما از این اجتماعات استفاده می‌کنیم. ما از آن «الله اکبر»ها، ملت ما از آن «الله اکبر»ها استفاده کرد. آن «الله اکبر»ها را باید حفظ بکنیم. این مظاهر و شعائر و اموری که در اسلام در آن سفارش شده باید فکر کنید که اینها يك مسئله سطحی نبوده است که می‌خواستند جمع بشوند و گریه کنند، خیر. ما ملت گریه سیاسی هستیم. ما ملتی هستیم که با همین اشکها سیل جریان می‌دهیم و خرد می‌کنیم سدهایی را که در مقابل اسلام ایستاده است.

صحیفه امام، ج ۳، ص: ۳۲۷



شب اول

چند سکه بگیری کر بلانمی آیی؟؟؟

تاخت زدند. از کجا معلوم؟ شاید ما هم با اندکی پول بیعت ۳۵ ساله خود و یا پدران خود را با امام زمانمان بشکنیم. آیا فردا ما نیز حاضر نمی‌شویم بخاطر پول و معیشت، مرتکب بزرگترین معصیت شویم؟ باور کن نمیشود اینقدر ساده انگارانه درباره کوفی‌ها قضاوت کرد. اصلا بیا حساب کنیم نرخ معامله سنگین کوفی‌ها با ابن زیاد، به پول امروز چقدر میشود؟ باور کن پول کمی نبوده! بیا بنشینیم و یکبار هم که شده فکر کنیم این همه سال برای چه منتظر منجی بوده و هستیم؟ و این همه ناله و نامه و گلایه و شکوه و عریضه از چه رو بوده است؟

اگر درد غروب جمعه‌ی ما بخاطر مشکلات مالی و کاری و معیشتی است، بیا بنشین تا همین حالا حساب کنیم قیمت خود را. چقدر پول اگر بپردازند به ما، دور «ولی امر» خود را - مثل کوفیان - خط می‌کشیم؟ بیا يك خبر از نرخ سکه بگیریم. ببینیم حدودا با وعده چند سکه بهار آزادی، اسیر دنیا میشویم؟ یا نرخ ارز را فرض بگیریم و ببینیم امام زمانمان چقدر مبارز است؟ ببینیم «یزید زمانه» از «کاخ سفید» خود چند میلیون دلار اگر بفرستد، دست از آرمانمان بر میداریم و در برابر نائب امام زمان، زانمان همچو شمشیر، بران و تیز می‌شود؟ با گرفتن چند میلیون ریال سعودی حاضر میشویم يك دلدار را سر به نیست کنیم؟ چند هزار دینار اگر ملك یزید سعودی ارزانی ما کند، سر ولی را میبریم؟! «ما اهل کوفه نیستیم» را تنها با شعار نمی‌توان ثابت کرد. امشب شب اول محرم است. بنشینیم تا دیر نشده، قیمت خود را حساب کنیم!

بی نقشه اگر پیش بروی، روزی میرسد که چون کوفیان، امامت را خارجی و مرتد بخوانی! میشود قاری قرآن صامت باشی، و قرآن ناطق را سنگ باران کنی!

مردم کوفه و نخيله از ظلم و جور روزگار معاویه به ستوه آمده بودند، سهمشان از بیت المال اندک و ناچیز و رفتار عمال حاکم استکباری آن زمان - معاویه - با آنان تحقیر آمیز بود. و این بزرگترین درد مردم کوفه بود. کوفیان اگر اول کار، یزید را به عنوان خلیفه نپذیرفته بودند و نامه‌ها به حسین نوشتند که بیاید و نجاتشان دهد، ناشی از تصور ضد کوفیانه‌ای بود که از این سلسله منحوس بنی امیه داشتند، یعنی بیم از تکرار وضع دوران معاویه! اما کوفیان مگر چه میخواستند جز آسودگی؟ بیم جان خود را داشتند و ترس از وخامت معیشتشان. وقتی سکه‌های طلای ابن زیاد - نماینده یزید - چشم مردم ستمدیده کوفه را گرفت، دیگر غرضی نمانده بود تا کوفیان همچنان علم مخالفت با یزید را برافراشته نگه دارند و گرد قاصد حسین حلقه زنند. آنها به خیال خود با این سکه‌ها و وعده‌های رنگارنگ، به حق خود از بیت المال رسیده بودند. شب و روز کوفه دو روی سکه سیاه تزویر بود. سکه‌هایی که عاقبت و آخرت يك قوم را به باد داد. سکه‌هایی که کوفیان با آن، آخرت خود را با دنیا تاخت کردند. آری، لعنت خدا بر آنها! اما حساب من و تو چه می‌شود امروز؟ کوفیان سر امام خود را با سکه طلا

مردم کوفه همیشه برایمان مثال بی وفایی بوده‌اند. از کوفی‌ها و پیمان شکنی‌شان زیاد شنیده‌ایم، اما تا بحال از خود پرسیده‌ایم چرا سرنوشت کوفیان اینگونه شد؟ چه شد که حاضر شدند خون مهمان‌هایی که با نامه، سوی خود خوانده بودند را بریزند؟

بی شک اهل کوفه انسان‌های عجیبی نبودند، و درست شبیه ما، نه شاخ داشتند و نه دم و نه سم. با ظاهری موجه و عموماً پیشانی‌های پینه بسته. و همچون ما روزها و ماهها و سالها منتظر حضور منجی خود بودند. برخیزشان همچون شمر بن ذی الجوشن سردار سپاه امام علی بودند. کوفیان گمان میکردند تنها کسی که می‌تواند آنان را به حقوق دنیوی خود برساند، حسین است. درد معیشت داشتند و خیال می‌کردند حسین (علیه السلام) این درد را مداوا خواهد کرد. حسین را می‌خواستند که دنیایشان را آباد کند. این شد که با اشتیاق هجده هزار نامه نوشتند

که پای هر نامه‌ای را چندین نفر امضاء کرده بود. کاش ما شین زمان حقیقت داشت تا می‌شد گاهی برای عبرت از تاریخ، يك سر به آن روزهای سیاه سفر کرد و در نیمه‌های شب صدای تضرع و نماز شب اهل کوفه را شنید. آری، دینداری منهای بیداری حکایت تلخ کوفیان بود! کوفیها با کار خود ثابت کردند سرانجام ایمان در خارج از دایره ولایت، ضلالت است. و نشان دادند طریق سعادت را

کتاب محرم

شهید سید مرتضی آوینی

فتح خون



روایتی تحلیلی از واقعه کربلا و چرایی واقعه کربلا: از مدینه شروع می کند، از سنه‌ی چهل و نهم هجرت و از شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام. سید مرتضی می خواهد خواننده را به شناختی کامل برساند. پس به دو گونه روایت می کند. گاه از زبان «راوی» گاه به شیوه‌ی معمول مقتلها تا بتواند همه‌ی زوایا را نشان دهد؛ اما همان طور که گفتیم، شهید آوینی، تاریخ نقل نمی کند، بلکه در هر دو جایگاه، سعی او بر آن است که تفسیری موشکافانه از چرایی آنچه بر آل الله گذشت، بدهد.

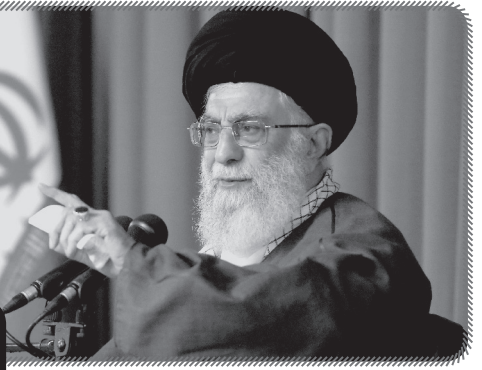
ویژگی سبک شهید آوینی، شناساندن کامل آنچه درک عمیقی از آن دارد هست. در این سبک قالب و هر قید و بندی که مانع رساندن معنی گردد، برداشته می شود. برای همین است که «روایت فتح» شهید را گاه از زبان این «راوی»، می شنوی و گاه از زبان آن «راوی»، گاه تاریخ می گوید گاه تحلیل می کند و...

و شگفتا از فصل دهم - فصل شهادت بنی هاشم و ابا عبد الله علیهم السلام - که در کتاب ناتمام مانده. آیا این روایت آن چنان ترجمه نا پذیر و دشوار بوده که سید مرتضی تنها با شهادت باید آن را تحلیل می کرد؟

بیانات در دیدار با
ستاد مرکزی هیئت
رزمندگان اسلام
۹۲/۸/۲۰

هیئت سکولار نداریم

این حرف این نیست که هر حادثه‌ی سیاسی در کشور اتفاق می افتد، ما باید حتماً در مجلس روضه آن را با یک گرایش خاصی - حالا یا این طرف، یا آن طرف - بیان کنیم و احیاناً با یک چیزهایی هم همراه باشد؛ نه، اما فکر انقلاب، فکر اسلام، خط مبارکی که امام (رضوان الله علیه) در این مملکت ترسیم کردند و باقی گذاشتند، اینها بایستی در مجموعه‌ها و مانند اینها حضور داشته باشد.



هیئتها نمی توانند سکولار باشند؛ هیئت امام حسین سکولار ما نداریم! هر کس علاقه‌مند به امام حسین است، یعنی علاقه‌مند به اسلام سیاسی است، اسلام مجاهد است، اسلام مقاتله است، اسلام خون دادن است، اسلام جان دادن است؛ معنای اعتقاد به امام حسین این است. اینکه آدم در یک مجلس روضه یا هیئت عزاداری مراقب باشد که نبادا وارد مباحث اسلام سیاسی شود، این غلط است. البته معنای

توجیه المسائل غایبان

هر چه بتوانم، تو را کمک می کنم. اینک «این اسب» لگام دار من؛ به خدا بر آن از پی کسی نتاختم مگر آنکه آثار مرگ را بر او چشاندم و از پی ام نتاختمند که مرا بر آن در یابند و نیز «این شمشیر» تقدیم شما که به هر چه زدم، برید!

امام هم فرمود: «پسر چرا! ما برای اسب و شمشیر تو نیامده ایم. آمده ایم یاریات را بخواهیم. اکنون که از جان خود دریغ می ورزی، هیچ نیازی به اموال تو نداریم.»

حاضر نشد خودش را برای امام خرج کند، حرف از اسب تیز و شمشیر برنده اش می زد. بعد از عاشورا، سر همین انتخاب اشتباه تاسف می خورد و اشک می ریخت؛ عجب درسی به ما داد عبیدالله بن جرجعی!

اولویت «خودت» را امام بگذار، نه اولویت «اسبت» را! مگر این که مثل نافع، اسب و شمشیر هم در راه او باشد، بشروط حضور خودت.

اولویت خودت، نه اسبت!

در مسیر رسیدن به کربلا در یکی از منازل، کاروان ایستاد.

امام پرسید: خیمه گاه کیست؟

- عبیدالله بن جرجعی

...

بیک امام را که جواب نداد، امام شخصاً به سراغ او رفت. بعد از کلی صحبت و دلیل باز نیامد.

می گفت: حاضریم اسم را به شما بدهم... و حضرت فرمود: نیازی نیست...

ما خودت را می خواستیم. امام خودش را می خواست. عرض کرد: «اسب و شمشیر» را به شما می بخشم و شما مرا از این کار معاف کن.

فرمود: اگر خودت را به ما نمی سپاری، ما احتیاجی به مال نداریم و این آیه را تلاوت می کرد: ما گمراه کننده گان را باور خود نمی گیریم.

خیلی اصرار کرد که نیاید! گفته بود:

تو را به خدا سوگند، همراهی مرا با خود نخواه. من

عاشورا! انقلاب مستمر



فروردین ماه ۱۳۴۳ وقتی امام خمینی (ره) پس از تحمل زندان آزاد شد، در پیامی به اظهار تاسف از تسلط اسرائیل و عوام‌لش بر شئون مملکت و تمجید از مبارزه‌ی حماسی در عاشورای ۱۳۴۲ پرداخته و فرمودند: «اشخاص متدین را، به جرم آنکه در عاشورا دسته راه انداخته‌اند و شعار ضد اسرائیل با خود داشته‌اند، به حبس و زجر و شکنجه کشیدند و اکنون هم در حبس به سر می برند، با آنکه با کمال آرامش حرکت می کردند...»

پیام امامت اشاره داشت به برنامه‌های محرم سال ۱۳۴۲ شمسی که طی آن انبوه بی شمار شرکت کنندگان در راهپیمایی روز عاشورا به تظاهرات علیه «انقلاب سفید» پرداختند. امام اعلامیه‌های موثری در مقدمه‌سازی برای برنامه‌ی محرم صادر کردند که مهم‌ترین آن‌ها پنج روز قبل از شروع محرم یعنی در ۲۸ اردیبهشت ماه بود؛ شهید شیخ فضل الله محلاتی در خاطراتش نقل می کند که امام وی را مامور نمود تا سران هیئت‌های عزاداری تهران را به جلسهای فراخوانده تا برای اتخاذ تدابیر لازم جهت بهره‌برداری سیاسی از مجالس برنامه‌ریزی کنند.